



عزیز گسیلی

دنیای طراحی به واسطه شاخص‌هایی مانند «نوآوری»، «خلاقیت» و «ابتکار» که از صفات عالیه خالق جهان هستی است، تعریف و شناخته می‌گردد و اگر این شاخص‌ها در چارچوب ابزار و محیط زیست انسان تجلی یابد، زندگی فرایندی انسانی و متعالی پیدا می‌کند. در هزارتوی ارتباطات و روزمرگی ما انسان‌ها، تقابلی بسیار گسترده جهت فرسایش محصولات مصرفی اتفاق می‌افتد. به همین دلیل طراحان برای ایجاد راه‌های مناسب و موردنیاز، با شناخت و تثبیت بهترین تناسبات در روابط متقابل انسان، محیط و محصول اقدام میکنند و بر ماندگارترین آن‌ها جامه عمل می‌پوشانند.

ایجاد دنیایی زیبا و هماهنگ با رفتار و کردار انسان‌ها، منوط به شناخت صحیح آن خواهد بود. بطور حتم و یقین همه مشکلات و مسائل امروز از عدم شناخت و تعریف صحیح محیط زندگی و مکمل‌های تشکیل دهنده آن حادث می‌گردد.

بنابراین در هر فرایند خلاق طراحی، چه برای خلق یک طرح ۱ و چه برای طراحی مجدد ۲، رعایت مواردی که منجر به تعریف صحیح مشکل و بیان صریح مسئله باشد، ضرورت دارد. با عنایت به آموزه‌های موجود باید به شناخت موارد زیر اهتمام ورزید:

- ۱- عوامل مرتبط با مسئله ۲- محیط مرتبط و درگیر با مسئله ۳-
- نیازهای متنوع کاربران مرتبط ۴- توان و محدوده فنی و مهندسی مرتبط با مسئله ۵- ظرفیت و چارچوب فرهنگی حاکم بر مسئله ۶-
- توان سرمایه‌گذاری در ایجاد راه‌حل ۷- شناخت موانع زیست‌محیطی مسئله ۸- شناخت محدودیت‌های مصرف انرژی ۹- طول عمر محصول و بازیافت آن ۱۰- مدیریت عرضه- فروش و خدمات پس از آن ۱۱-
- قدرت اقتصادی و توان خرید قشر مخاطب و اطلاعات بنیادی و عدیده‌ای که برنامه‌ریزان محصولات جدید را برای یافتن راه‌حلهای نوآورانه و پاسخ‌های مبتکرانه راهنمایی می‌کند.

به نظر می‌رسد برای «شناخت» در مسائل طراحی محصولات، ملزم به انتخاب الگوی متناسب با فرهنگ و هنر این سرزمین باشیم،

الگویی که در قالب یک فرایند جامع، انعطاف کافی برای پاسخگویی به نیازهای گوناگون را داشته باشد. فرایندی که با ایجاد بستری خلاق و نوآورانه باعث انسجام و اتفاق روش‌های سیستماتیک در امر آموزش و پژوهش گردد. فرایندی که هماهنگ با فرهنگ والای ایرانی، همگام با نیازهای واقعی، قابلیت رفاقت و همیاری با طراحان مبتکر ایرانی را داشته باشد. فرایندی که دیزاین (طراحی صنعتی) کشور را جهت رسیدن به قله‌های افتخار در طراحی جهانی، پشتیبانی نماید و نهایت اینکه «فرایندی که هویت طراحی ایرانی را بازگویی کند».

کشورهای صنعتی و توسعه یافته اهتمام بسیاری به نظام مند کردن فرایندهای طراحی و ارائه ابزارهای متنوعی برای این فرایندها داشته‌اند، که نتیجه آن ارتقای کیفیت آموزش طراحی و ارتقای فرایندهای طراحی و تولید و در نتیجه دستیابی به نوآوری و خلاقیت در عرصه‌های زندگی و محصولات موجود شده است.

دیگر زمان آن فرارسیده است که بپذیریم طراحی صنعتی نه به عنوان یک واسطه، بلکه به عنوان یک عامل، عمل می‌نماید. طراحی صنعتی دقیقاً در خط تلاقی فرهنگ و صنعت نمود پیدا می‌کند، جایی که فرهنگ را و ارزش‌های حاکم آنرا تبدیل به فرم‌ها و پیکره‌های صنعتی می‌کند و یا جایی که صنعت را در زیباترین و عالیترین پیکره‌های خود به کالا و نموده‌های فرهنگی تبدیل می‌کند. تخصصی که حلقه گمشده صنعت و فرهنگ کشورهاست و بهترین حربه مقابله با تهاجم صنعتی و اقتصادی در ارتباط با محصولات مصرفی وارداتی است.

امید آن است که برای ایجاد هویت مستحکم و ماندگار ایرانی در طراحی صنعتی کشور، در اولین فرصت به تدوین مدیریت جامع طراحی صنعتی کشور، در ارتباط با آموزش و پژوهش و همچنین طراحی و تولید کشور بپردازیم. شفاف سازی جایگاه «مدیریت طراحی صنعتی» در چارچوب توسعه صنعتی کشور می‌تواند در بیان «هویت ملی» طراحی و تولید، کمک شایانی ارائه نماید.

والسلام

سردبیر